



آسیب شناسی فرهنگی کشور از دیدگاه امام خمینی (ره)

پدیدآورده (ها) : رحمانی، حجت الله

علوم تربیتی :: بصیرت و تربیت اسلامی :: بهار 1393، سال یازدهم - شماره 28

(علمی-ترویجی/ISC)

از 71 تا 108

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1043143>

دانلود شده توسط : کافی نت تخصصی نور

تاریخ دانلود : 20/05/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

آسیب‌شناسی فرهنگی کشور از دیدگاه امام خمینی (ره)

حجت‌الله رحمانی^۱

چکیده

فرهنگ به معنی باورها و ارزش‌هایی است که از جهان‌بینی انسان نشئت می‌گیرد و در عرصه‌های مختلف حیات و زیست اجتماعی و فردی زندگی متجلی می‌شود. تأثیرگذاری فرهنگ بر تمام ارکان فکری، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و ... ملت‌ها نشانگر اهمیت ویژه و اساسی آن می‌باشد. از این رو، آسیب‌های ناشی از فرهنگ نقشی ویرانگر در هویت ملت داشته و موجب انحراف، انحطاط و هلاکت و نابودی ملتی را فراهم خواهد کرد.

از دیدگاه امام خمینی (ره) فرهنگ اساس هویت جامعه است و اصلاح فرهنگی محوری‌ترین مأموریت انقلاب می‌باشد و اساساً اصلاح یک جامعه را باید از اصلاح فرهنگی آن آغاز کرد. از نظر ایشان مهم‌ترین آسیب فرهنگی که توسط بیگانگان خارجی و خود فروختگان داخلی بر کشورهای اسلامی و شرقی از جمله ایران وارد شده است خودباختگی فرهنگی، وابستگی فکری و از خود بیگانگی است. امام خمینی (ره) رمز قدرت و عظمت کشور را «بازگشت به خویشتن خویش» و «خودباوری» و «بازگشت به فرهنگ اصیل اسلامی» می‌داند که موجب احیای هویت انسانی و ظهور انسانیت انسان است و نتیجه آن ساختن «انسان» خواهد بود.

این تحقیق تلاشی است برای بررسی آسیب‌های فرهنگی کشور ایران از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) که در نهایت به ۴۲ آسیب مهم از این منظر اشاره می‌شود.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، آسیب‌شناسی فرهنگی، امام خمینی (ره)، کشور ایران.

بیان مسئله

امروزه استفاده از ابزارهای فرهنگی در پیشبرد منافع ملی برای هر کشوری امری عادی و جا افتاده محسوب می‌شود. با توجه به نقش بنیادی فرهنگ در ابعاد مختلف جامعه حتی قوی‌ترین کشورها نیز ترجیح می‌دهند تا آنجایی که ممکن است به جای سایر اهرم‌ها، از شیوه‌های فرهنگی برای تأمین منافع خود استفاده کنند. انقلاب اسلامی ایران به دلیل ماهیت فرهنگی آن که ریشه در اعتقادات اسلامی ملت ایران با سابقه‌ای بسیار طولانی دارد، همواره از سوی دشمنان در معرض تهدید و آسیب قرار داشته است. از این رو، شایسته است که تهدیدها و آسیب‌های فرهنگی فراروی انقلاب را که تلاش دارد حرکت توفنده و پیش‌رونده آن را با کندی مواجه سازد، مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم، تا با شناسایی نقاط قوت و ضعف، زمینه پایش آسیب‌ها و تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها را فراهم آوریم.

آسیب‌های فرهنگی به دلیل تأثیر ویرانگرشان، چنان در متن جامعه نفوذ می‌کنند که از درون هسته مقاومت افراد را سست کرده و با نهادینه شدن ضد فرهنگ‌ها و ارزشی شدن ضد ارزش‌ها در نهایت به استحاله فرهنگ رایج جامعه پرداخته و سرانجام با بروز و شکل‌گیری فرهنگی جدید، ملتی را از درون دچار تغییر هویت و فروپاشی می‌کند. خطر کمرنگ شدن ارزش‌های معنوی متعالی انقلاب و یا حتی خطر تضعیف تدریجی بخش‌هایی از آن، ممکن است از درون و بطن جامعه متوجه بنیان‌های فرهنگی جامعه شود.

در این مقاله سعی مان بر این است تا با بهره‌گیری از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) عوامل آسیب‌زا در حوزه فرهنگی ایران مورد بررسی قرار گیرد.

مقدمه

فرهنگ عبارت است از باورها و ارزش‌هایی که از جهان‌بینی انسان‌ها نشئت می‌گیرد و در عرصه‌های مختلف حیات و زیست اجتماعی و فردی زندگی متجلی می‌شود، و

آسیب‌شناسی فرهنگی به بررسی آفات و آسیب‌هایی می‌پردازد که رنگ و لعاب فرهنگی دارند، و عناصر شکل‌دهنده و سازنده عادات، رفتارها و کنش‌های رایج افراد یک جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. آسیب‌هایی این چنین، صرف‌نظر از میزان تخریب و خسارتی که به مسائل روبنایی فرهنگ یک ملت یا جامعه وارد می‌سازند، در متن فرهنگ اصیل ملت یا جامعه فرهنگی نیز آسیب وارد می‌کنند. فرهنگ و تأثیرگذاری آن در تمام ارکان فکری، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و ... ملت‌ها نشانگر اهمیت ویژه و اساسی آن می‌باشد به گونه‌ای که آسیب‌های ناشی از فرهنگ نقشی ویرانگر در هویت ملت داشته و موجب انحراف، انحطاط و هلاکت و نابودی ملتی را فراهم خواهد کرد.

انقلاب اسلامی ایران ریشه فرهنگی عمیقی در این سرزمین داشته و بر پایه ارزش‌های دینی و فرهنگی ملتی ریشه‌دار و پرسابقه و دارای درخشش‌های فراوان در طول تاریخ بنا نهاده شده است. اما بر خلاف این سابقه دیرینه و ریشه‌های فرهنگی و دینی قوی آن، عوامل زیادی هم وجود دارند که قصد ضربه‌زدن به این انقلاب از طریق فرهنگی را داشته و درصدد ایجاد انحراف در زمینه‌های فرهنگی ملت ایران برای جدا کردن آنها از پشتیبانی و حمایت از انقلاب و اسلام را دارند. حضرت امام خمینی (ره) بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی ایران با روشن‌بینی و درک عمیق خود از اسلام در سخنان و رهنمودهای مدبرانه خود به آسیب‌شناسی فرهنگی نظام اسلامی پرداخته‌اند. در این مقاله بر آنیم تا با بهره‌گیری از این رهنمودها به بررسی آسیب‌شناسی‌های مطرح شده در کلمات معظم‌له بپردازیم.

مفهوم‌شناسی

۱. فرهنگ

الف. معنای لغوی فرهنگ: در واژه‌نامه‌های فارسی به‌طور ضمنی به دو مفهوم اساسی فرهنگ که «ریشه» و «چشمه» می‌باشد اشاره شده است (فرهی و زارع، ۱۳۹۱: ۸). در

برخی لغت‌نامه‌ها فرهنگ به شاخه درختی که آن را از طریق خواباندن تکثیر می‌کنند اطلاق شده است (ارمی، ۱۳۸۷: ۲۴۰). در برخی دیگر فرهنگ به معنای «کاریز و قنات» آمده است. علاوه بر این تعاریف دیگری در کتاب‌های لغت فارسی وجود دارد که به معنی ادب، عقل، دانش، بزرگی، معرفت، علم، فضیلت و صنعت به کار رفته است (فرهی و زارع، ۱۳۹۱: ۸).

کلمه فرهنگ از دو جزء «فر» و «هنگ» تشکیل شده است که فر در لغت هخامنش و اوستا از پیشوندها است به معنای پیش و جلو، و هنگ یا هنج به معنای قصد و نیت می‌باشد. هنگ با پیشوند فر به معنای دانش و ادب است و اصولاً فرهنگ در زبان پهلوی به معنای تربیت، آموزش و پرورش و آنچه آموخته می‌شود به کار می‌رفته است. در غرب برابر واژه فرهنگ که ایرانیان به کار می‌برند کلمه «culture» وجود دارد که مشتق از فعل لاتین «cultivar» به معنای پروراندن است. این واژه نخستین بار در قرن یازدهم میلادی در اروپا ابداع و به دو معنا به کار برده شد: نخست به عنوان مراسم دینی و دوم به معنای کشت و زراعت. اما در عصر روشنگری فرهنگ به معنای پرورش روح و اندیشه بشر مطرح شده است (روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۱۴).

ب. تعریف فرهنگ: فرهنگ از مفاهیم اساسی و پیچیده‌ای است که دانشمندان برای تبیین و توصیف آن بیش از ۳۰۰ تعریف ارائه کرده‌اند (فرهی و زارع، ۱۳۹۱) در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- فرهنگ شیوه زندگی یک ملت است که الگوهای قراردادی از تفکر و رفتار شامل ارزش‌ها، عقاید، مقررات، سلوک، سازمان‌های سیاسی، فعالیت‌های اقتصادی و مانند آن را که از طریق یادگیری و نه توارث زیستی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود دربرمی‌گیرد.

- فرهنگ مفهومی گسترده است که تمامی الگوهایی را که در جامعه آموخته می‌شوند در آن غنا می‌یابند و از طریق نمادها منتقل می‌شوند را دربرمی‌گیرد.

- فرهنگ را می‌توان به‌عنوان مجموع رفتارهای اکتسابی و ویژگی اعتقادی اعضای یک جامعه معین تعریف کرد.

ج. **لایه‌های فرهنگ:** فرهنگ شیوه زندگی برخاسته از اندیشه (عقل نظری) و نظام ارزشی (عقل عملی) است و دارای لایه‌هایی است (ادیب، ۱۳۹۰: ۱۱).

۱. **لایه معرفتی یا جهان‌بینی:** عمیق‌ترین لایه هر فرهنگ، لایه معرفتی یا جهان‌بینی آن است که از سنخ تفکر، باور و اندیشه است.

۲. **لایه ارزش‌ها:** لایه دوم هر فرهنگ ارزش‌ها است که بر آمده از لایه اول است، یعنی الگوهای داوری، قضاوت، نسبت به خوبی، بدی، زشتی و زیبایی.

۳. **لایه الگوهای رفتاری - هنجارها و قالب‌های رفتاری:** لایه سوم هر فرهنگ الگوهای رفتاری - هنجارها و قالب‌های رفتاری است، یعنی قالب‌های مختلفی که در نهادهای مختلف شکل می‌گیرند. نهادهایی چون خانواده، مدرسه، آموزش و پرورش، اقتصاد و اوضاع دین و سیاست.

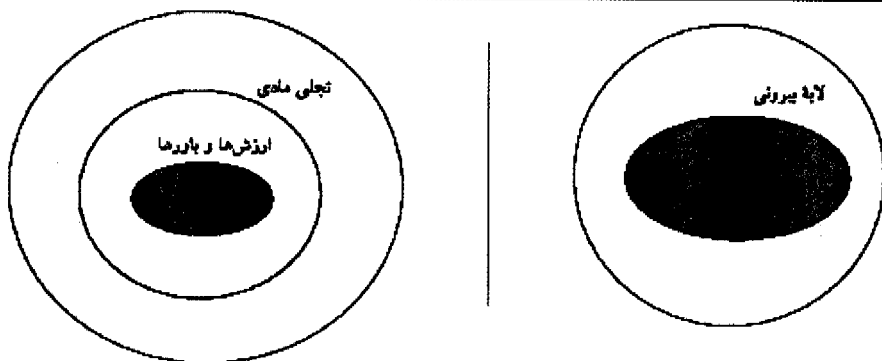
۴. **لایه نمادها:** لایه چهارم هر فرهنگ نمادها هستند که هم کلامی‌اند و هم غیرکلامی، به معنای دیگر هم نوشتاری است و هم زبان گفتاری و حرکات و عادات رفتاری و هنر و موسیقی و طراحی را نیز دربرمی‌گیرد.



د. طبقه‌بندی تعاریف فرهنگ: کلاید کلوکهنوس در پژوهشی مجموعه تعاریف فرهنگ را در دوازده طبقه دسته‌بندی کرده است: فرهنگ به‌مثابه «کل روش زندگی»، «میراث اجتماعی»، «روش تفکر، احساس و اعتقاد مردم»، «ذهنیت رفتار»، «چگونگی رفتار»، «مخزن آموخته‌ها»، «معیار تکرار امور»، «رفتار اکتسابی»، «مکانیسم قواعد هنجاری رفتار»، «تکنیک تطبیق با محیط»، «رسوب تاریخ» و «ماتریس رفتار» (ابوالقاسمی، ۱۳۸۸).

تحلیل طبقه‌بندی فوق نشان می‌دهد که هر کدام از صاحب‌نظران با توجه به قلمرو، دامنه و میزان حضور فرهنگ در عرصه‌های اجتماعی، مادی و معنوی انسانی تعریف و برداشت خود را از فرهنگ ارائه داده‌اند. در برخی از دیدگاه‌های موجود «عنصر فناوری» عامل تغییر و شکل‌گیری فرهنگ در جوامع صنعتی تلقی می‌گردد. مارکس اغلب به‌عنوان کسی است که به «جبرگرایی فناوری» عقیده دارد (مارکس، ۱۸۴۷). دیدگاه‌های آینده محور نیز برداشتی «جبرگرایانه» از مفهوم فرهنگ دارند؛ کریستوفر ایوانز اعلان کرد که در مدت کوتاهی کامپیوتر جامعه جهانی را در تمامی سطوح تغییر خواهد داد (لارج، ۱۹۸۰). دیدگاه‌های تحول‌گرایانه جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، زبان‌شناختی، فلسفی و اقتصادی هر کدام شکل‌گیری و یا تغییر فرهنگی را منوط به یک متغیر می‌دانستند. با این حال، همان‌طور که لوئیس مامفورد منتقد اجتماعی اشاره می‌کند فرهنگ را نمی‌توان با یک «دیدگاه تک متغیری» مورد بحث قرار داد.

ری لوبک در تحلیل تعریف کلاسیک تایلور از جامعیت فرهنگ و کل روش زندگی اعلان می‌دارد: فرهنگ دارای دو لایه بیرونی و درونی است و جهان‌بینی در قلب آن قرار دارد. در این «رویکرد جامع‌نگر»، فرهنگ هم مادی و هم معنوی است.



صاحب‌نظران، در ادامه، دیدگاه ری لوبک را توسعه دادند و فرهنگ را شامل سه لایه دانستند که جهان‌بینی هسته مرکزی و ارزش‌ها و باورها لایه دوم آن را تشکیل می‌دهند و تجلی مادی دو لایه فوق، لایه سوم را عینیت می‌دهد. بنابراین برداشت جهانی از فرهنگ به سمت یک دیدگاه جامع‌نگرانه است که کلیه عناصر مادی و معنوی فرهنگ را شامل می‌شود (ابوالقاسمی، ۱۳۸۸).

با عنایت به آنچه بیان گردید تلقی و تعریف فرهنگ از منظر این تحقیق مبتنی بر دیدگاه جامع‌نگرانه است به گونه‌ای که به راحتی می‌تواند با دین ارتباط و تعامل برقرار کند. بنابراین، فرهنگ عبارت است از: «باورها و ارزش‌هایی که از جهان‌بینی انسان‌ها نشئت می‌گیرد و در عرصه‌های مختلف حیات و زیست اجتماعی و فردی زندگی متجلی می‌شود».

۱. آسیب‌شناسی

الف. معنای لغوی: واژه آسیب‌شناسی از علوم پزشکی به علوم اجتماعی وارد شده و به معنای «بحث مطالعه علل بیماری و عوارض و علایم غیر عادی» می‌باشد (آریان‌پور، ۱۳۵۳: ۱۵۶۹).

ب. معنای اصطلاحی: این اصطلاح در همه رشته‌های علوم، اعم از کاربردی، پایه، تجربی، طبیعی و انسانی به کار گرفته شده است. آسیب‌شناسی در زمینه مسائل روان‌شناختی، تربیتی و یا فرهنگی اصولاً به مطالعه و بررسی دقیق عوامل زمینه‌ساز، پدیدآورنده و

یا ثبات بخش روانی، فیزیولوژیکی، بیولوژیکی، تربیتی و فرهنگی آفات و آسیب‌های موجود در آن زمینه می‌پردازد. هدف اصلی از چنین مطالعاتی تکمیل و تأمین فرایندهای مناسب برای دفع یا رفع آفات و آسیب‌ها می‌باشد (بريجانيان، ۱۳۷۳).

ج. آسیب‌شناسی فرهنگی: آسیب‌شناسی فرهنگی به بررسی آفات و آسیب‌هایی می‌پردازد که رنگ و لعاب فرهنگی دارند و عناصر شکل دهنده و سازنده عادات، رفتارها و کنش‌های رایج افراد یک جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند (ره‌نمایی، ۱۳۸۸).

د. آسیب‌شناسی فرهنگی انقلاب اسلامی: آسیب‌ها صرف‌نظر از میزان تخریب و خسارتی که به مسائل و باورهای افراد وارد می‌سازند، آن‌چنان در متن فرهنگ جامعه نفوذ می‌کنند که از درون، هسته مقاومت افراد را در برابر مفاسد غلط تضعیف می‌کنند. این قبیل کنش‌ها رفته‌رفته نهادینه شده و در نتیجه به استحاله فرهنگ انقلابی اصیل و رایج در جامعه پرداخته و سرانجام منجر به شکل‌گیری فرهنگی از نوع جدید می‌شوند که با فرهنگ اولیه و اصیل تفاوت بارز دارند. خطر کم‌رنگ‌شدن ارزش‌های والای فرهنگ انقلابی و یا حتی خطر تخریب و تضعیف بخش اعظمی از آن، ممکن است از درون و بطن جامعه متوجه ساختار فرهنگی جامعه شود و در برابر ارزش‌های وارداتی فرهنگ بیگانه سست و تضعیف گردد.

اهمیت و نقش فرهنگ در اندیشه امام خمینی (ره)

انقلاب اسلامی به دلیل تأثیر گذاری جهانی و طرح نظام حکومتی جدید در محیط بین‌الملل این گفتمان و شعار را در سراسر جهان اعلام کرد که در مدیریت نظام اسلامی، دین اختیار را به دست گرفته است. بنابراین، دستیابی به یک خط‌مشی فرهنگی مستقل بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی دارای اهمیت بسزایی است. امام (ره) در این باره می‌فرماید: «درباره فرهنگ هر چه گفته شود کم است. می‌دانید و می‌دانیم اگر انحرافی در فرهنگ یک رژیم پیدا شود و همه ارگان‌ها و مقامات آن رژیم در صراط مستقیم انسانی

و الهی پایبند باشند و بر استقلال و آزادی ملت از قیود شیطان عقیده داشته باشند و آن را تعقیب کنند و ملت نیز به تبعیت از اسلام و خواسته‌های ارزنده آن پایبند باشند، دیری نخواهد کشید که انحراف فرهنگی بر همه غلبه کند و همه را خواهی‌نخواهی به انحراف کشاند و نسل آتیه را آن‌چنان کند که انحراف به‌صورت زیبا و مستقیم را راه نجات بداند و اسلام انحرافی را به‌جای اسلام حقیقی بپذیرد و بر سر خود و کشور آن آورد که در طول ستم‌شاهی و به‌خصوص پنجاه سال سیاه بر سر کشور آمد» (سخنرانی ۶۱/۱۱/۲۲).

فرهنگ اساس هویت جامعه

فرهنگ جزء جدانشدنی هر جامعه‌ای است، ما هیچ جامعه‌ای را سراغ نداریم که دارای فرهنگ نباشد. امام (ره) هویت و موجودیت هر جامعه را از فرهنگ آن جامعه می‌داند و می‌فرماید: «بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشئت می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان‌پذیر است. بی‌جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به فرهنگ جوامع زیر سلطه است» (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۱۶۰/۱۵).

دو ساحت اصلی فرهنگ

از نگاه امام خمینی (ره) فرهنگ دارای دو ساحت اصلی است: نخست بُعد فردی

فرهنگ که با انسان و سعادت او ارتباط دارد و دیگری بُعد اجتماعی فرهنگ که در عرصه حیات اجتماعی انسان‌ها حضور دارد. از نگاه ایشان فرهنگ سازنده و پیشرو در حوزه‌های فردی و اجتماعی سبب هدایت انسان‌ها و جامعه و تربیت الهی هر دو خواهد شد. حضرت امام(ره) در بُعد فردی مسائل فرهنگی، سال‌ها به خودسازی و تربیت خویش و دیگران پرداختند و در قالب سلوک اخلاقی و عرفان عملی اسلام، نمونه‌ای از انسان تربیت یافته الهی را به جهان امروز معرفی کردند. جوانان بسیاری نیز در این نظام تربیتی که امام احیاگر آن بودند رشد یافتند و سیر الی‌الله خویش را با مراد خود پیمودند و به عناصر اصلی انقلاب اسلامی تبدیل شدند. در بُعد اجتماعی نیز تئوری اصلاح فرهنگی امام(ره) در قالب حکومت اسلامی معرفی و تبیین شده است. از نگاه امام فرهنگ مطلوب یک جامعه باید حاوی ۳ ویژگی باشد: ۱. دارای یک نظام تربیتی برای رشد و تعالی انسان باشد؛ ۲. فعال، پیش رو و روزآمد باشد و هیچ گاه دچار تحجر، انفعال و غرب‌زدگی نشود؛ ۳. با محوریت فرهنگ خودی تأمین‌کننده استقلال فرهنگی باشد (لشگری، ۱۳۹۲).

توسعه مبتنی بر فرهنگ

مفهوم توسعه از دیدگاه امام خمینی(ره) از پنج ویژگی برخوردار است: ۱. جامعیت مفهوم توسعه به نحوی که کلیه ابعاد وجودی انسان را فرامی‌گیرد؛ ۲. اساس توسعه، مبتنی بر فرهنگ است؛ ۳. استقلال فرهنگی، عامل اصلی توسعه و وابستگی فرهنگی، عامل اصلی توسعه‌نیافتگی است؛ ۴. فرهنگ اسلامی، اساس و هدف توسعه فرهنگی است؛ ۵. تربیت و تعالی انسان، شرط توسعه و غایت آن است.

حضرت امام خمینی(ره) در رهنمودهایی که درباره مسائل اقتصادی و برنامه‌ریزی‌های توسعه ارائه کرده است، جامعیت مفهوم توسعه را در نظر داشته‌اند. بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پدید آمدن شرایط جدید و ضرورت تجدید قوای کشور و ملت و اتخاذ تصمیمی قاطع و سرنوشت‌ساز برای بازسازی و شروع فعالیت‌های اقتصادی، حضرت

امام (ره) طی پیامی که در یازدهم مهرماه ۱۳۶۷ صادر کردند، محورهای عمده و حیاتی، در دهه بازسازی کشور را اعلام فرمودند که بیش جامع ایشان درباره توسعه و برنامه‌های اقتصادی، در این پیام کاملاً مشهود است. محورهای فرهنگی که به‌عنوان کلی‌ترین پایه‌های برنامه‌ریزی آینده کشور در این پیام مورد تأکید قرار گرفته است عبارت‌اند از: ۱. کلیدی بودن سیاست نه شرقی، نه غربی به‌عنوان رمز عزت و اعتبار کشور؛ ۲. تأکید بر حفظ ارزش‌ها و شئون اخلاقی در جامعه؛ ۳. تأکید بر اینکه بازسازی منجر به وابستگی نشود؛ ۴. اصالت و اولویت داشتن «خودکفایی» کشاورزی، در مقابل بازسازی مراکز صنعتی؛ ۵. توجه به رفاه مردم با رعایت شعائر و ارزش‌های اسلامی و انقلابی؛ ۶. بهادادن به «حضور اقشار مختلف مردم» در صحنه‌های بازسازی کشاورزی، صنعت و تجارت؛ ۷. توسعه مراکز علمی و تحقیقاتی و تشویق نیروهای خلاق و سازنده؛ ۸. قدرشناسی از ایثارگران.

این منشور نشان می‌دهد که ایشان در شکل فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حفظ ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگی اسلامی را در رأس امور و رسیدن به پیشرفت مادی و تأمین رفاه و امکانات زندگی، برای آحاد مردم را به‌عنوان ضرورتی توأمان عنوان داشته‌اند.

ضرورت اصلاح فرهنگی

حضرت امام خمینی (ره) اصلاح فرهنگی را محوری‌ترین مأموریت انقلاب می‌دانند، هر چند توجه ایشان به استقلال و کارآمدی نظام سیاسی و اقتصادی بر کسی پوشیده نیست، ولی توجه ویژه ایشان به فرهنگ و عوامل تأثیرگذار بر آن قابل تأمل است. بر این اساس حضرت امام (ره) پس از پیروزی انقلاب اسلامی در روزهای آغازین تشکیل دولت موقت بیشترین اهتمام خویش را به بهبود وضعیت فرهنگی مبذول داشته و می‌فرمود: «اسلام این جور جهات دارد و کسی که می‌خواهد اسلام را بشناسد، همه جهات در اسلام

هست، یعنی آن چیزی که مربوط به رشد فرد است، آن چه که مربوط به رشد جامعه است، آن چه که مربوط به سیاست است، آنچه که مربوط به اقتصاد است و آنچه که مربوط به فرهنگ است، تمام اینها در اسلام هست» (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۱۱۴/۵).

احیای هویت اصیل فرهنگی

در بررسی سخنان و تحلیل محتوای سخنرانی‌ها و دست‌نوشته‌های امام خمینی (ره) هر چند واژه «هویت» به شکل محدودی به کار رفته که در آن موارد نیز به واژه‌هایی همچون «هویت ایرانی اسلامی»، «هویت اسلامی» اشاره شده اما استعمال واژه «هویت» به شکل غیرمستقیم به طور گسترده‌ای در ادبیات مورد استفاده ایشان به کار گرفته شده است. در این ارتباط به کارگیری مفاهیمی همچون «ما» یا مفهوم «خود»، «خودی»، «شرقی»، «ایرانی»، «اسلامی» و ... بسیار دیده می‌شود که همگی دلالت بر نوعی هویت‌سازی دارد، به طوری که می‌توان گفت محور اصلی مبارزاتی امام خمینی (ره) تلاش برای احیای هویت بومی و بازگشت به خود و خویش می‌باشد.

ایشان در تبیین این هویت که با واژه‌هایی همچون «ما» و «خود» به آن اشاره دارد از اصطلاحاتی استفاده می‌کند که نشان‌دهنده ماهیت فرهنگی آن است. مثلاً ایشان به دفعات از اصطلاحاتی همچون «شخصیت ایرانی اسلامی»، «انسان اسلامی»، «آدم اسلامی»، «موجود شرقی»، «مغز شرقی»، «انسان خودمانی»، «انسان ایرانی اسلامی»، «مغز اسلامی انسانی» را به کار می‌برد و معتقد است این شخصیت، انسان و مغزی که دارای ویژگی شرقی، اسلامی، ایرانی و بومی است دچار تحول و دگرگونی شده و شخصیت واقعی خود را گم کرده یا یک فکر غربی و مغز غربی و شخصیت غربی به جای آن نشسته است. ایشان می‌گوید: «به جای یک موجود شرقی اسلامی، یک موجود غربی بر ما تحمیل شد، خودمان را گم کرده‌ایم؛ و به جای مغز شرقی، مغز غربی نشسته است ... حالا طوری شده‌اید که دیگر خودتان هم نمی‌توانید خودتان را بفهمید؛ خودتان را گم کردید؛ به جای

خودتان یک موجود غربی نشسته است».

امام(ره) با تأکید بر این از خود بیگانگی تمامی تلاش خود را برای معرفی «خود واقعی» به کار می‌گیرد و در توصیف آن بر جایگزینی «انسان ایرانی اسلامی»، «انسان خودمانی» به جای آن «انسان بیگانه با خود» تأکید دارد و می‌فرماید: «هیچ نحو استقلالی حاصل نمی‌شود، الا اینکه ما خودمان را بشناسیم». یا در جای دیگری می‌فرماید: «ما تا استقلال تمام حیثیت خودمان را نفهمیم، نفهمیم ما چی بودیم، ما در تاریخ چه بودیم، چه هستیم، چه داریم، تا این‌ها را نفهمیم، استقلال نمی‌توانیم پیدا کنیم» و نیز می‌فرماید: «هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا بکند الا اینکه خودش، خودش را بفهمد. مادامی که ملت‌ها خودشان را گم کردند و دیگران را به جای خودشان نشانده نمی‌توانند (استقلال) پیدا کنند».

امام(ره) رمز قدرت و عظمت کشور را «بازگشت به خویشتن خویش» و «خودباوری» می‌داند و مصداق آن را درک این مطلب می‌داند که «افراد یک جامعه بفهمند که ما هم خودمان موجودیتی داریم که آن موجودیت در فرهنگ ما تبلور یافته است»، «ماها الآن خودمان را گم کردیم، مفاخر خودمان را الآن گم کردیم. مؤثر خودمان را گم کردیم. تا این گم شده پیدا نشود، شما مستقل نمی‌شوید، بگردید پیدایش کنید».

آسیب‌های فرهنگی ایران از دیدگاه امام خمینی(ره)

با نگاهی به بیانات حضرت امام(ره) قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، می‌توان به عمق اهداف فرهنگی از دیدگاه رهبری نهضت و عوامل آسیب‌زای فرهنگی در ایران آگاه شد. این عوامل عبارت‌اند از:

الف. عوامل فرهنگی آموزشی

۱. آموزش‌های غربی و شرقی در مراکز آموزشی ایران

تأمل در آموزش‌های غربی و شرقی در مراکز آموزشی ایران در زمان طاغوت نشان

می‌دهد که چگونه فرهنگ جوانان کشور ما در اثر این آموزش‌ها دچار آسیب جدی شده است. حضرت امام (ره) با اشاره به این آسیب می‌فرماید: «صدماتی که کشور ما از فرهنگ رژیم شاه خورده است قابل مقایسه با ضررهای اقتصادی و غیره نبوده است. متأسفانه در زمان این پدر و پسر دست اجانب بازگردید و مراکز آموزشی که باید تکیه‌گاه ملت باشد به ضدش تبدیل شد» (سخنرانی ۶۰/۷/۲۴).

«باید گفت، دانشگاه‌های ما به دست یک مشت غرب زده خودباخته و یا مزدور اداره می‌شد و دانشمندان متعهد در اقلیت بودند و قدرت را از آنان سلب کرده بودند و آن دسته اکثریت غرب‌زده جوانان را عاشق غرب می‌کردند و فوج فوج به خارج می‌فرستادند و در خارج دست استعمار، کار خود را می‌کرد و جوانان را در حدی که مطلوب استعمارگران بود، نگه می‌داشتند و با افکار غربی و غیراسلامی و غیرمللی به کشور باز می‌گرداندند و این فاجعه قرن اخیر برای ممالک اسلامی و اشباه آنها بود و حدیث مفصل بخوان از این مجمل» (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۸۶/۱۸).

۲. کنار گذاشتن دانش شرقی و جایگزین کردن دانش غربی:

«علمی که در شرق بود، دسیسه‌ها اسباب این شد که عقب بزنند آنها را؛ و به جای آن علوم غرب را بیاورند. دانش‌هایی که در شرق بود و اروپا از آن تقلید کرد، دست‌هایی آمد، آنها را عقب زد و محتوا را از ما گرفت و الان وضع ما وضعی شده است که خیال می‌کنیم که هرچه هست، در غرب است و ما هیچ چیز نداریم. محتوای خودمان را گرفتند، بعضی مغزهای ما را شستشو کردند، جایش یک مغز دیگری گذاشتند که از همان غرب ارتزاق می‌کند و این یک مطلب مهم است که باید به تدریج این مملکت از زیر آن بار بیرون برود» (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۲۵-۲۶).

۳. شستشوی مغزی دانشجویان در غرب

«بعضی مغزهای ما را شستشو کردند، جایش یک مغز دیگری گذاشتند که از همان

غرب ارتزاق می‌کند و این یک مطلب مهم است که باید به تدریج این مملکت از زیر آن بار بیرون برود» (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۹/ ۲۵-۲۶).

۴. تحصیل در خارج کشور

«جوانان را عاشق غرب می‌کردند و فوج فوج به خارج می‌فرستادند و در خارج دست استعمار، کار خود را می‌کرد و جوانان را در حدی که مطلوب استعمارگران بود، نگه می‌داشتند و با افکار غربی و غیراسلامی و غیرملی به کشور بازمی‌گرداندند و این فاجعه قرن اخیر برای ممالک اسلامی و اشباه آنها بود و حدیث مفصل بخوان از این مجمل».

(همانجا).

۵. به دست گرفتن مراکز تعلیم و تربیت

«از توطئه‌های بزرگ آنان به دست گرفتن مراکز تعلیم و تربیت به خصوص دانشگاه‌ها است که مقدرات کشورها در دست محصولات آنهاست» (وصیت نامه امام، ۱۳۷۰: ۴۱).

ب. عوامل فرهنگی تربیتی:

۱. عدم رشد و ترقی نیروی انسانی فعال

ایشان دلایل مخالفت خویش با رژیم شاه را این گونه بیان می‌فرماید: «از اول که (با رژیم شاه) مخالفت شد، البته مخالفت این طور درجه به درجه بالا آمد. هر چه ظلم‌ها زیادت‌ر شد، مخالفت‌ها هم زیادت‌ر شد. شاه هم ذخایر ملی ما را به دیگران داد، هم نیروهای فعال ما را نگذاشت ترقی کنند. فرهنگ ما را عقب راند. همه چیز ما را به باد داد».

«فرهنگ ما را آن طور کرده‌اند که نگذاشته‌اند انسان در آن پیدا شود که حالا اگر ما بخواهیم مجلس شورایی درست کنیم، باید بگردیم این طرف و آن طرف، ببینیم که تازه یک آدمی که امین باشد، یک آدمی که ملی باشد، جهات شرقی و غربی نداشته باشد و خدمتگزار به اسلام باشد پیدا کنیم ... اینها نگذاشته‌اند که جوانان ما رشد کنند، اینها

رخنه کردند در فرهنگ ما و فرهنگ ما را یک وضعی درست کردند که انسان نتواند در آن رشد کند» (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۱۹۵/۴).

۲. تباه کردن نیروی انسانی:

«نیروی انسانی ما را به باد داده‌اند اینها، این فرهنگ ما فرهنگ استعماری است که نگذارد این نیروی انسانی رشد کند. اینها را به یک حد محدود نگه دارد و نگذارد اینها رشد کنند. اینها نمی‌گذارند رشد انسانی داشته باشیم».

از دیدگاه امام(ره) نامطلوب‌ترین تأثیر فرهنگی حکومت پهلوی، از بین رفتن استعدادها و کرامت انسانی بوده است و مهم‌ترین هدف جمهوری اسلامی تلاش در جهت احیای معنوی انسان می‌باشد. امام(ره) اولین دستور کار و وظیفه دولت را به این شرح بیان می‌فرماید: «باید در این سال جدید عنایت زیادی شود اول به فرهنگ که این خیلی مهم است. این فرهنگ باید متحول شود، فرهنگ استعماری فرهنگ استقلال شود. باید معلمینی که در این فرهنگ اسلامی اینجا باشد انتخاب شوند و اشخاصی صحیح و سالم، کسانی که جوانان ما را تربیت صحیح کنند، نه اینکه تربیت انگلی کنند، چنانچه که تا به حال این‌گونه بوده که آنها را غربی بار آورده‌اند، ... و بالأخره باید فرهنگ متحول شود به یک فرهنگ سالم و یک فرهنگ مستقل و یک فرهنگ انسانی».

۳. انحراف فرهنگی

امام(ره) درباره خطر انحراف فرهنگی که منجر به انحراف نسل آینده و به وجود آمدن اسلام انحرافی هشدار داده و می‌فرمایند: «درباره فرهنگ هر چه گفته شود کم است و می‌دانید و می‌دانیم اگر انحرافی در فرهنگ یک کشور پیدا شود و همه ارگان‌ها و مقامات آن رژیم به صراط مستقیم انسانی و الهی پایبند باشند و به استقلال و آزادی ملت از قیود شیطانی عقیده داشته باشند و آن را تعقیب کنند و ملت نیز به تبعیت از اسلام و خواسته‌های ارزنده آن پایبند باشد، دیری نخواهد گذشت که انحراف فرهنگی بر همه

غلبه کند و همه را خواهی نخواهی به انحراف کشاند و نسل آتیه را آن‌چنان کند که انحراف به صورت زیبا و مستقیم را راه نجات بداند و اسلام انحرافی را به جای اسلام حقیقی بپذیرد» (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۲۰۳/۱۷).

«بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه از بعدها اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است» (همانجا: ۱۶/۱۵).

۴. تربیت ناصالح و فساد، حاصل فرهنگ ناصالح

حضرت امام خمینی (ره) اساس سعادت را در فرهنگ جامعه می‌دانند و می‌فرماید: «فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است، اگر فرهنگ ناصالح شد این جوان‌هایی که تربیت می‌شوند به این تربیت‌های ناصالح، اینها در آتیه فساد ایجاد می‌کنند» (همانجا: ۲۷۳/۱).

۵. بی‌نظمی

امام (ره) برای مقابله با توجیحات مغرضانه گروهک‌ها، که با طرح شعار جامعه توحیدی، وجود سلسله مراتب نظامی را مغایر آن می‌دانستند، بر رعایت نظم و سلسله مراتب تأکید کرده و فرمود: «معنای جامعه توحیدی این است که همه کار خودشان را انجام بدهند، روی نظام و همه هم مقصدشان یکی باشد» (همانجا: ۱۴۸/۱۱). «همه با هم دوست و رفیق، سرباز با درجه‌دار، درجه‌دار و افسر با ارشد رفیق باشد، لکن اطاعت بکنند. اطاعت مسئله‌ای، رفاقت مسئله‌ای دیگر» (همانجا: ۲۲۷/۵).

ج. عوامل فرهنگی اعتقادی

۱. مخالفت با اسلام و جسارت به مذهب

امام(ره) در بیان علت مخالفت با رژیم شاه دو رکن اساسی را مطرح می‌کند، یکی خیانت‌های شاه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و دیگری خیانت‌هایی که در حق مذهب و فرهنگ این مرز و بوم مرتکب شده است: «شاه با سیاست اسلامی مخالف است که سیاست مملکت هم همان است، هم با سیاست اسلامی مخالف است و هم با عنوان مذهبی و ما به این هر دو جهت با شاه مخالف هستیم. هم نسبت به مذهب جسارت کرده و هم نسبت به مملکت خیانت‌هایی در طول تاریخ زندگی‌اش کرده و بدین جهت همه مردم ایران با او مخالف‌اند». (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۱۳/۴).

۲. فراموش شدن اسلام

حضرت امام خمینی(ره) ضمن آنکه شرط اصلی توسعه و زیربنای آن را توسعه فرهنگی می‌شناسند، محتوای این فرهنگ را فرهنگ اسلامی می‌دانند: «اسلام داشت نمی [فراموش] می‌شد؛ اسلام را داشتند منهدم می‌کردند؛ قرآن را داشتند زیر چکمه‌ها از بین می‌بردند، قیام شما جوان‌های ایران، قیام شما ملت ایران، که قیام الهی بود، قرآن را زنده کرد؛ اسلام را زنده کرد؛ حیات تازه به اسلام بخشید» (همانجا: ۱۴۰/۵). «نظر ما به اقتصاد نیست مگر به‌طور آلت، نظر ما به فرهنگ اسلامی است ... نظر ما به فرهنگ اسلامی است که این فرهنگ اسلامی را از جامعه جدا کردند، باید فرهنگ، فرهنگ اسلامی باشد» (همانجا: ۷۲/۷).

۳. تبلیغ بر ضد نهادهای فرهنگی و مذهبی

فرهنگ و مذهب هر ملتی جدای از آنچه در کتب و موزه‌ها و ... به ودیعت گذارده شده است، سینه‌به‌سینه و نسل‌به‌نسل توسط انسان‌های دوره‌های قبل به آینده انتقال می‌یابد. آنچه بیش از فرهنگ و مذهب صامت در مقابل مستکبران می‌ایستد، فرهنگ و مذهب

ناطق است. استکبار برای رسیدن به اغراض خویش، به سست جلوه دادن و تحقیر فرهنگی و مذهبی ملت‌ها بسنده نکرده، بانیان و حاملان و حافظان فرهنگ را نیز در دیدگاه جامعه منفور جلوه داده و به حذف شخص و شخصیت آنان مبادرت کرده است و می‌کند. حضرت امام(ره) در اوایل سال ۱۳۴۲ و قبل از قیام ۱۵ خرداد به این حقیقت اشاره کرده اند: «هدف اجانب، قرآن و روحانیت است. دست‌های ناپاک اجانب با دست این قبیل دولت‌ها قصد دارد، قرآن را از میان بردارد، روحانیت را پایمال کند. ما باید به نفع یهود، امریکا و فلسطین هتک شویم، به زندان رویم و مصدوم گردیم، فدای اغراض اجانب شویم. آنها اسلام و روحانیت را برای اجرای مقاصد خود مضر و مانع می‌دانند، این سد باید به دست دولت‌های مستبد شکسته شود» (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۲۱۸/۶).

۴. تحریف واقعیت اسلام

از جمله حربه‌های کشورهای استعمارگر برای رسوخ در فرهنگ کشورهای اسلامی، تحریف واقعیت اسلام و معرفی غلط آن می‌باشد. بنا بر نظر امام(ره)، تبلیغات علیه اسلام به روش‌های مختلفی صورت می‌گیرد:

۱. به صورت ناشیانه و با صراحت به اینکه احکام اسلام که هزار و چهارصد سال پیش وضع شده است، توانایی اداره جامعه امروزی تمدن را ندارد و یا به این صورت که اسلام یک دین ارتجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است. «اسلام را طوری معرفی کرده‌اند که دانشجو از امریکا به من نوشته است که دانشجویان می‌گویند که هر بدبختی هست، از اسلام است. ای بیچاره دانشجو! هر چه بدبختی هست از سر این اسلام است؟ از دول اسلامی است» (حکومت اسلامی، ۱۳۵۹: ۲۰).

۲. به صورت مودیانه و شیطنت‌آمیز و به شکل طرفداری از قداست اسلام با این تبیین که اسلام و دیگر ادیان الهی بر معنویات و تهذیب نفوس و تحذیر از مقامات دنیایی و دعوت به ترک دنیا و اشتغال به عبادات و اذکار و ادعیه که انسان را به خداوند نزدیک و از دنیا و حکومت و سیاست دور می‌کند بنا شده است. امام خمینی(ره) تبلیغات نوع دوم

را در بعضی از روحانیون و متدینان بی‌خبر از اسلام مؤثر دانسته و فرمود: «تبلیغ به وجه دوم در بعضی از روحانیان و متدینان بی‌خبر از اسلام تأثیر گذاشته که حتی دخالت در حکومت و سیاست را به مثابه یک گناه و فسق می‌دانستند» (وصیت‌نامه امام، ۱۳۷۰: ۲۰).

۵. کنار گذاشتن اسلام و روحانیت

«این جوامع مطالعه کردند که اگر فرهنگ اینها (کشورهای مسلمان) یک فرهنگ مستقل صحیحی باشد از توی اینها یک جمعیت سیاسی مستقل و امینی پیدا می‌شود، و این هم برای آنها مضر است. بناءً علیه در جانب اسلام و روحانیت دو چیز را سد می‌دیدند یکی اصل اسلام و یکی هم روحانیت را». «کراراً تذکر داده‌ام، تنها چیزی که می‌تواند، سدّ راه اجانب و دول استعمارگر باشد و نگذارد سلطه بر ذخایر اسلامی پیدا کنند، اسلام و علمای جلیل اسلام است. این حقیقتی است که در طول تاریخ برای دول استعمارگر ثابت شده است. از نخست وزیر اسبق خبیث دولت استعمارگر انگلستان نقل شده است که تا قرآن بین مسلمین است، نمی‌توانیم، در مقاصد خود پیشرفت کنیم. هدف اصلی دولت‌های استعمارگر، محو قرآن و اسلام و علمای اسلام است و برای وصول به اهداف استعماری خود هر چند، نغمه‌ای را به وسیله عمال خبیث خود آغاز می‌کنند و چهره ضدّ ملی آنها را ظاهرتر می‌سازند» (راه امام، کلام امام: ۲۱/۲۱۳).

۶. کنار گذاشتن فرهنگ قرآنی

از آنجا که دین اسلام و آموزه‌های قرآنی ریشه عمیقی در فرهنگ ایرانیان دارد و تمسک به قرآن مانع بسیاری از انحرافات می‌شود یکی از اهداف شیاطین و دشمنان اسلام حذف قرآن از فرهنگ ایرانی است. امام (ره) می‌فرماید: «فرهنگ مسموم استعمار، تا اعماق قصبات و دهات ممالک اسلامی رخنه کرده و فرهنگ قرآن را عقب زده و نوباوگان ما را فوج فوج در خدمت بیگانگان و مستعمرین در می‌آورد و هر روز با نغمه تازه، با اسامی فریبنده، جوانان ما را منحرف می‌کند». (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۱۵۶/۱).

۸. جدا کردن دین از سیاست

از منظر امام خمینی (ره) «سیاست خدعه نیست، سیاست یک حقیقتی است. سیاست یک چیزی است که مملکت را اداره می‌کند، خدعه و فریب نیست. اینها همه‌اش خطاست؛ اسلام، اسلام سیاست است، حقیقت سیاست است، خدعه و فریب نیست» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۱۲۴/۱۰).

«پاک روان (معاون نخست وزیر و رئیس ساواک) به من گفت، در همان روز آخری که دیگر از حبس بنا بود بیرون بیایم و به آن حصر وارد بشویم حبس دوم گفت که سیاست، دروغ گفتن است، خدعه است، فریب است و کلمه‌اش هم این بود که «پدر سوختگی» است! این را بگذارید برای ما؛ همین جا می‌خواست پدرسوختگی کند؛ یعنی می‌خواست کلاه سر من بگذارد! من گفتم: به این معنا که شما می‌گویید، ما هیچ وقت همچو سیاستی را نداشتیم؛ خدعه و فریب و این چیزها. بعد آمد بیرون و منتشر کرد در روزنامه که ما تفاهم کردیم با فلانی و این که دخالت در سیاست نکند. من هم سر منبر گفتم که ایشان چه‌ها گفت، من هم این را گفتم؛ بی خود گفته! اینها می‌خواهند که ماها را با همین خدعه و فریب که سیاست خدعه است، شما از سیاست کنار بروید» (همانجا: ۱۲۵).

حضرت امام در جایی دیگر، یک سونگری به اسلام و نگرش تک بعدی به مکاتب الهی و رسالت پیغمبران را ریشه اساسی همه ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی و تباهی اخلاق و معنویت و به تبع آن، حاکمیت فرهنگ و اخلاق بیگانه می‌داند: «آنچه گفته شده و می‌شود که انبیاء(ع) به معنویات کار دارند و حکومت و سررشته‌داری دنیایی مطرود است و انبیا و اولیا و بزرگان از آن احتراز می‌کردند و ما نیز باید چنین کنیم اشتباه تأسف‌آوری است که نتایج آن به تباهی کشیدن ملت‌های اسلامی و باز کردن راه برای استعمارگران خون‌خوار است؛ زیرا آنچه مردود است، حکومت‌های شیطانی و دیکتاتوری و ستمگری است» (همانجا: ۴۰۷/۲۱).

۵. عوامل فرهنگی شخصیتی

۱. عقب‌ماندگی فرهنگی

به نظر امام (ره) یکی از جنایات نابخشودنی حکومت شاه ایجاد عقب‌ماندگی فرهنگی در ایران بود. «شاه هم ذخایر ملی ما را به دیگران داد، هم نیروهای فعال ما را گذاشت ترقی کنند. فرهنگ ما را عقب راند. همه چیز ما را به باد داد».

۲. تسلیم و وابستگی بی قید و شرط به ابرقدرت‌ها

«از جمله مسائلی که به مسلمانان و مستضعفان جهان اجازه هیچ‌گونه فعالیت برای خروج از قید و بند استعمارگران را نمی‌دهد و آنان را به حال رکود و عقب‌افتادگی نگه می‌دارد، تبلیغات همه‌جانبه‌ای است که غرب‌زدگان و شرق‌زدگان یا به امر ابر قدرت‌ها و یا با کوتاه‌نظری خود در سراسر کشورهای اسلامی و استضعافی به‌راه انداخته‌اند و می‌اندازند و آن این است که علم و تمدن و پیشرفت مختص به دو جناح امپریالیسم و کمونیسم است و آنان به‌خصوص غربی‌ها و اخیراً آمریکایی‌ها نژاد برتر هستند و دیگران نژاد پست و ناقص هستند و ترقی آنان در اثر «والانژادی» آنها است و عقب‌افتادگی اینان در اثر نقص نژادی است ... پس کوشش برای پیشرفت بی‌فایده است و آزادگان یا باید وابسته به سرمایه‌داری غرب باشند و یا کمونیسم شرق. به بیان دیگر ما از خود هیچ نداریم. باید همه چیز را از ابرقدرت‌های غرب یا شرق بگیریم، علم را، تمدن، قانون را، پیشرفت را» (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۸۶/۱۸).

۳. وابستگی فکری و فرهنگی

«ما الآن در همه چیز به گمان یک نحو وابستگی داریم که بالاتر از همه، وابستگی افکار است، افکار جوان‌های ما، پیرمردهای ما، تحصیل‌کرده‌ها، روشنفکران ما، بسیاری از افکار ما وابسته به غرب است» (همانجا: ۵۶/۱۰). «اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ غرب باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا

می‌کند، و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد» (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۱۶/۱۵). «عزیزان من! ما از محاصره اقتصادی نمی‌ترسیم، ما از دخالت نظامی نمی‌ترسیم. آن چیزی که ما را می‌ترساند، وابستگی فرهنگی است. ما از دانشگاه استعماری می‌ترسیم که جوان‌های ما را آن‌طور تربیت کنند که خدمت به غرب بکنند». (همانجا: ۷۹/۸).

حضرت امام خمینی (ره) با توجه به آیه شریفه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (النساء: ۱۴۱) استقلال را یکی از مهم‌ترین اصول و محورهای برنامه‌ریزی‌های توسعه؛ و وابستگی و سلطه فرهنگی را اساسی‌ترین علت عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم می‌دانستند و بارها و بارها درباره آن به ملت‌های دربند، به‌خصوص مسلمانان هشدار دادند. از خودبیگانگی فرهنگی، استعمار فرهنگی، فرهنگ استعماری، سلطه فرهنگی، فرهنگ سلطه، استقلال فرهنگی، تحول فرهنگی و استقلال فکری، مفاهیمی هستند که ایشان برای بیان جنبه‌های مختلف وابستگی فرهنگی ملل اسلامی و اهمیت حصول استقلال فرهنگی در سخنرانی‌ها و نوشته‌هایشان به‌کار برده‌اند: «اسلام وابستگی شما را و ما خودمان را به دیگران منکر است، می‌گوید نباید صنعت ما وابسته باشد، نباید زراعت ما وابسته باشد، نباید ادارات ما وابسته باشد، نباید اقتصاد ما وابسته باشد، نباید فرهنگ ما وابسته به غیر باشد ... مبدأ این همین است که در فکر، وابسته هستیم، فکرمان نمی‌تواند بکشد این را که ما خودمان هم فرهنگ داریم، خودمان هم فرهنگ‌مان غنی است، خودمان هم همه چیز داریم».

۴. تحقیر فرهنگی یا خودباختگی فرهنگی

در دوران گذشته تحقیر فرهنگی ملت‌های مستضعف و زیر سلطه در کشور ما به‌جایی رسیده بود که در سطح دانشگاهی اظهار پیشرفت و رشدیافتگی با اظهار تبّری از دین همراه شده و در مجامع جهانی نیز اندیشه‌وران ما از اشاره و ذکر سابقه تاریخی و فرهنگی خود اظهار سرشکستگی می‌کردند. اجرای شعائر مذهبی در دانشگاه‌ها که مهد تمدن و

علم محسوب می‌شود، عملی ارتجاعی به‌شمار می‌آید. استفاده از حجاب اسلامی، حتی روسری مطرود بود. تحقیر فرهنگی در کشور ایران به‌حدی رسید که داده‌های فرهنگی شرق پس از آنکه توسط غربیان ترجمه می‌شد و به نام آنان ثبت می‌گردید، ارزش نقل و دقت نظر می‌یافت و هرگز در دیدگاه روشنفکران غرب‌زده، شخصیت‌های دست اول فکری و علمی خودی به اندازه آنان که از خرمن علم و دانش و کتاب‌های ترجمه‌شده آنها استفاده کرده و در همان موضوعات قلم زده بودند، ارزش نداشتند (پزشک‌پور و خلیل‌بیگی، ۱۳۹۲).

از نگاه امام خمینی (ره) کسی که به غنای فرهنگی خویش معتقد باشد، هرگز دچار خودباختگی و دگراندیشی نخواهد شد. از نظر ایشان گام اول در راه نفوذ استعمار و سلطه آنان، تحقیر فرهنگی و مذهبی دیگران است. «اجانب به‌خصوص امریکا در نیم قرن اخیر کوشش داشتند و دارند، فرهنگ و برنامه‌های فرهنگی، علمی و ادبی ما را از محتوای اسلامی، انسانی و ملی خود خالی و به‌جای آن فرهنگ استعماری و استبدادی بنشانند» (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۱۶۰/۱۵). از نظر ایشان تهی‌کردن برنامه‌های فرهنگی از ضربه به اصول اجتماعی اسلام جدا نبوده است، از این رو، ایشان به مشکل اساسی فکری جامعه دینی که ره‌آورد تبلیغ غرب بوده است، چنین اشاره می‌کنند: «استعمارگران به نظر ما آوردند که اسلام، حکومتی ندارد، تشکیلات حکومتی ندارد، بر فرض احکامی داشته باشد، مجری ندارد و خلاصه اسلام فقط قانونگذار است، واضح است. این تبلیغات جزئی از نقشه استعمارگران است برای بازداشتن مسلمین از سیاست و اساس حکومت. این حرف با معتقدات اساسی ما مخالف است. ما معتقد به ولایت هستیم». (همانجا: ۲۱۸/۶).

۵. انحراف جوانان

از دیدگاه امام (ره) یکی از آسیب‌های فرهنگی که از سوی دشمنان خارجی ایجاد و توسط عوامل داخلی ترویج و دامن زده می‌شود تلاش برای انحراف جوانان به‌صورت‌های مختلف است: «فرهنگ مسموم استعمار ... هر روز با نغمه تازه، با اسامی فریبنده، جوانان

ما را منحرف می‌کند» (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۱۵۶/۱). «در مجلاتشان، در رسانه‌های گروهی چه سمعی و چه بصری تبلیغات کردند و کلاً در خدمت اینها بودند. رادیو و تلویزیون‌شان مشغول بود که این جوان‌ها را از بازار، از بیابان که مشغول خدمت بودند، از ادارات به آن مراکز فساد بکشانند، از دانشگاهی یک موجود فاسد بسازند» (همانجا: ۱۱۹/۱).

۶. بیماری مزمن غرب‌زدگی و از خودبیگانگی

«آن دردی که برای ملت ما پیش آمده و الآن به حال یک مرض، یک مرض مزمن تقریباً هست، این است که کوشش کرده‌اند، غربی‌ها که ما را از خودمان بی‌خود کنند، ما را میان تهی کنند، به ما بفهمانند و فهمانند که خودتان هیچ نیستید و هر چه هست غرب است و باید رو به غرب بایستید. آتاتورک در ترکیه من مجسمه او را دیدم، دستش این‌طور بالا بود، گفتند او دست را بالا گرفته رو به غرب که باید همه چیز ما غربی بشود. یکی از اشخاصی که در زمان رضاشاه و بعد از رضاشاه هم بود و معروف هم بود، حالا من میل ندارم اسمش را ببرم، اولش هم معمم بود و بعد هم مکلاً و بعد هم سنا و اینها راه داشت، آن هم گفته بود که همه چیز ما باید انگلیسی بشود. این‌طور نقشه بوده است ... طوری باشد که ما اسم مدرسه هم وقتی بگذاریم، یکی از اسمائی که غربی‌ها دارند، بگذاریم. اسم خیابان‌هایمان هم به اسماء غربی‌ها نامگذاری شود ... کتاب‌هایی که در این نیم قرن نوشته شده است، استشهد صاحب کتاب‌ها همه به حرف غربی‌ها هست. اگر یک مطلبی را می‌خواهند بگویند، دنبالش می‌گویند: این را هم چه کسی گفته است، یکی از فلاسفه غرب را اسم می‌برند». (راه امام کلام امام: ۳۴).

«تلاش تبلیغاتی غرب و عناصر آن در داخل کشور، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بر این استوار بود تا خود را قوی و غالب و جهان را ناچار از پذیرش الگوی فرهنگی و رفتاری خود نشان دهند. این تلاش‌ها تا حدی نیز مؤثر واقع شده بود و افرادی در دانشگاه‌ها و مدارس و ادارات و اجتماعات باورشان شده بود که باید مثل غربی‌ها فکر کرده مشابه آنان رفتار کنند و تقلید از آنها را در زمینه‌های گوناگون محور عمل و اندیشه

خود قرار دهند. در نتیجه پدید آمدن چنین فضایی، روح و روحیه تحقیق، الگوسازی، ابتکار و نوآوری و توجه به توانایی‌ها و داشته‌های بومی از جامعه ایران رخت بر بسته و هم‌دستی شاه و آمریکا، نتایج مورد دلخواه آنان را پدید آورده بود. از جمله نقشه‌ها که مع‌الاسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیز ما گذاشت ... بیگانه کردن کشورهای استعمارزده از خویش و غرب زده و شرق زده کردن آنان است. به طوری که خود را و فرهنگ و قدرت خود را، به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر ... دانستند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرایض غیر قابل اجتناب معرفی کردند».

امام (ره) ضمن تشریح وضعیت بغرنجی که در نتیجه حاکمیت اندیشه غربی در عمل حاکمان به این سرزمین، گم‌کردن خود و مفاخر خودی را دلیل اصلی این انحطاط بر شمرده مغلوب شدن در برابر غرب را از جمله دلایل به وجود آمدن این وضعیت بر می‌شمارند: «اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ غرب باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند، و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد». (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۱۶/۱۵).

۷. منحرف کردن دانشجویان از فرهنگ و ادب و ارزش‌های خودی

«و اما در دانشگاه نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزش‌های خودی منحرف کنند و به سوی غرب یا شرق بکشانند و دولت‌مردان را از بین اینان انتخاب و بر سرنوشت کشورها حکومت دهند تا به دست آنها، هر چه می‌خواهند، انجام دهند» (همانجا: ۴۲).

۸. خودبیگانگی

خودباختگی کشورهای اسلامی و شرقی در برابر کشورهای استعمارگر به نحوی که ملت‌ها احساس حقارت کنند و حتی باور داشته باشند که خودشان هیچ ندارند و هر چه

از شرق یا غرب بیاید مطلوب و خوب است، از جمله مؤلفه‌های اصلی فرهنگ غرب‌زده می‌باشد. این خود باختگی مصیبت بزرگی است که در هر کشوری پیدا شود، آن کشور تا با این طرز تفکر ادامه حیات بدهد، عقب نگه داشته خواهد ماند.

در وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره) آمده است: «از جمله نقشه‌ها که مع‌الأسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیزمان گذاشت و آثار آن باز تا حد زیادی به‌جا مانده، بیگانه کردن کشورهای استعمارزده از خویش و غرب‌زده و شرق‌زده کردن آنان است...» (وصیت‌نامه امام، ۱۳۷۰: ۳۶).

هـ نفوذ فرهنگی بیگانگان

۱. نفوذ فرهنگ استعماری

«تمام برنامه‌ریزی‌هایی که اینها درست کردند، برنامه‌های فرهنگی، برنامه‌های هنری، هر چه درست کرده‌اند استعماری است. اینها می‌خواهند جوانان‌مان را یک جوانانی به بار آورند که به درد آنها (غربی‌ها) بخورد نه به درد مملکت خودشان، اینها می‌خواهند جوانان ما یک عضو فاسدی شوند» (همانجا: ۵۴). امام (ره) در جای دیگری می‌فرماید: «نیروی انسانی ما را به باد داده‌اند اینها. این فرهنگ ما فرهنگ استعماری است که نگذارد این نیروی انسانی رشد کند. اینها را به یک حد محدود نگه دارد و نگذارد اینها رشد کنند. اینها نمی‌گذارند رشد انسانی داشته باشیم» (همانجا: ۲۸۴). «بینیم که فرهنگ وارداتی به ما چه کرد و ما در مقابلش چه باید بکنیم؟» (سخنرانی ۶۱/۹/۲۸).

«خروج از فرهنگ بدآموز غربی و نفوذ و جایگزین شدن فرهنگ آموزنده اسلامی ملی و انقلاب فرهنگی در تمام زمینه‌ها در سطح کشور، آن‌چنان محتاج تلاش و کوشش است که برای تحقق آن سالیان دراز باید زحمت کشید و با نفوذ عمیق ریشه‌دار غرب مبارزه کرد» (سخنرانی ۶۳/۹/۱۹). «فرهنگ مسموم استعمار، تا اعماق قصبات و دهات ممالک اسلامی رخنه کرده و فرهنگ قرآن را عقب‌زده و نوباوگان ما را فوج‌فوج در خدمت

بیگانگان و مستعمرین درمی‌آورد و هر روز با نغمه تازه، با اسامی فریبنده، جوانان ما را منحرف می‌کند». (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۱۵۶/۱).

۲. تهاجم فرهنگی

«دو ابرقدرت برای به‌دست آوردن سطله استعماری، بهترین راه را در حمله به فرهنگ‌های ملت‌ها دانسته و دانشگاه‌ها را به خدمت گرفته‌اند و با به‌دست آوردن این مراکز از ره‌آورد‌های آن، مجلس‌های فرمایشی ساخته، حکومت‌های دلخواه به‌دست آورده‌اند و نظام‌ها را سر تا قدم غربی یا شرقی کرده‌اند و آنان که در این کشمکش از همه بیشتر صدمه دیده‌اند و رنج کشیده‌اند کشورهای اسلامی بوده و هستند». (همانجا).

امروز استفاده از پیشرفت‌های علمی جهانی به‌خصوص غرب پیرامون معادلات و تعاریف علمی، بسیاری را مرعوب و مجذوب خویش ساخته و در برابر این بت‌پرستی مدرن به خضوع و خشوع پرداخته و از هویت و اصل خویش غفلت کرده‌اند. راه‌انداختن شبکه‌های تحقیقاتی و کامپیوتری و جدیداً شبکه اینترنت از این قماش است. آنان به‌دنبال حس علم‌جویی بشری نبوده و نیستند بلکه به‌دنبال عبودیت تمام جهان در برابر آنان بوده و در این راه از هیچ کوششی فرو نگذار نکرده‌اند. دوری از تحقیر فرهنگ خودی و عدم منحل شدن در فرهنگ مادی غربی از هشدارهای جدی حضرت امام (ره) به علم‌دوستان امروزی است: «فرزندان عزیزتان را در سر کلاس‌ها به‌صورتی تربیت کنید که وقتی فارغ‌التحصیل می‌شوند، جوانان برومندی تحویل جامعه گردند، که با تمام وجود معتقد باشند که آنچه بدبختی داشتند از ابرقدرت شرق و غرب و شرق‌زدگی و غرب‌زدگی است» (سخنرانی ۶۱/۷/۱). «جوان‌های عزیز ما که سرمایه‌های میهن هستند باید بدانند که رفتن به غرب و شرق برای آموختن علوم مختلف، آنان را از رسیدن به مقصود که استقلال و آزادی است بازمی‌دارد و وابسته ترشان خواهد کرد؛ و دشمنان ما که به کشورها چشم طمع دوخته‌اند، هرگز نخواهند گذاشت ما استقلال پیدا کنیم و از وابستگی رها شویم؛ و باید به خود تلقین کنیم که در غرب هیچ خبری جز عقب‌نگه

داشتن ما از قافله تمدن و تعالی نیست؛ و باید همه بدانیم که دشمنان غارت گر ما، چشم طمع به دانشگاه‌ها دوخته‌اند که ولو در آینده‌ای دور به دانشگاه‌ها رخنه کنند و جوان‌های پاکدل را با افسانه‌ها و دروغ‌پردازی‌ها منحرف کنند و راه را برای خود و چپاول‌گری‌ها و استثمارها باز کنند». (سخنرانی ۶۲/۱۱/۲۲).

۳. اداره شدن دانشگاه‌ها به دست افراد غرب‌زده

«باید گفت، دانشگاه‌های ما به دست یک مشت غرب‌زده خودباخته و یا مزدور اداره می‌شد و دانشمندان متعهد در اقلیت بودند و قدرت را از آنان سلب کرده بودند و آن دسته اکثریت غرب‌زده جوانان را عاشق غرب می‌کردند و فوج فوج به خارج می‌فرستادند و در خارج دست استعمار، کار خود را می‌کرد و جوانان را در حدی که مطلوب استعمارگران بود، نگه می‌داشتند و با افکار غربی و غیراسلامی و غیرملی به کشور باز می‌گرداندند و این فاجعه قرن اخیر برای ممالک اسلامی و اشباه آنها بود و حدیث مفصل بخوان از این مجمل». (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۲۶۷/۱۵).

۴. انتخاب دولت مردان از بین دانشگاهیان منحرف غرب یا شرق‌زده

«جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزش‌های خودی منحرف کنند و به سوی غرب یا شرق بکشانند و دولت مردان را از بین اینان انتخاب و بر سرنوشته کشورها حکومت دهند تا به دست آنها، هر چه می‌خواهند، انجام دهند». (همانجا: ۴۲).

۵. جوانان را عاشق غرب کردن

«جوانان را عاشق غرب می‌کردند و فوج فوج به خارج می‌فرستادند و در خارج دست استعمار، کار خود را می‌کرد و جوانان را در حدی که مطلوب استعمارگران بود، نگه می‌داشتند و با افکار غربی و غیراسلامی و غیرملی به کشور باز می‌گرداندند و این فاجعه قرن اخیر برای ممالک اسلامی و ... آنها بود و حدیث مفصل بخوان از این مجمل». (همانجا: ۲۶/۹).

و. عوامل فرهنگی اخلاقی

۱. نابودی نسل و حرث ملت در اثر تهاجم فرهنگی فرهنگ‌های مبتذل شرق و غرب

حوزه و دانشگاه دو محور اصلی جهت‌دهی نظام و جامعه می‌باشند و روشن است که مسئولیت سنگین پاسداری از فرهنگ و حفظ ارزش‌های اسلامی بر دوش آنها است. حضرت امام (ره) خطاب به حوزویان و فقهای عالی‌قدر نسبت به این خطر تذکر می‌دهد که: «علماء بلاد و کشورهای اسلامی باید راجع به حل مشکلات و معضلات مسلمین و خروج آنان از سیطره قدرت حکومت‌های جور با یکدیگر به بحث و مشورت و تبادل نظر بپردازند و برای حفظ منافع مسلمین سینه‌ها را سپر کنند و جلو تهاجم فرهنگی فرهنگ‌های مبتذل شرق و غرب را که به نابودی نسل و حرث ملت‌ها منتهی شده است را بگیرند و به مردم کشورهای خود آثار سوء و نتایج خودباختگی در مقابل زرق و برق غرب و شرق را بازگو کنند» (فریاد برائت، ۱۳۷۰).

۲. ترویج فساد

«و یک باب هم این فسادهایی است که پیش آورده‌اند، این هم یک مسئله‌ای نیست که خیال شود از باب اتفاق حاصل شده، تمام این مراکزی که برای فحشاء و خوش‌گذرانی درست کرده‌اند همین‌طوری درست نشده است، در مجلات‌شان در رسانه‌های گروهی چه سمعی و چه بصری تبلیغات کردند و کلاً در خدمت اینها بودند. رادیو و تلویزیون‌شان مشغول بود که این جوان‌ها را از بازار، از بیابان که مشغول خدمت بودند، از ادارات به آن مراکز فساد بکشانند، از دانشگاهی یک موجود فاسد بسازند». (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۱۱/۱۱). ایشان علت مخالفت خویش با فرهنگ عمومی زمان محمدرضاشاه را استعماری بودن آن و فراگیر شدن فساد در جامعه می‌دانند. امام (ره) در نطق تاریخی خود در بهشت زهرا (س)، علت مخالفت با رژیم شاه را این‌گونه توضیح می‌دهند: «ما

کی مخالفت کردیم با تجدد؟ مظاهر تجدد وقتی که از اروپا وارد ایران شده است، به جای تمدن، ما را به توخّش کشانیده است. سینما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت این مردم و در خدمت تربیت این مردم باشد و شما می‌دانید که جوانان ما را اینها به تباهی کشانده‌اند و همین‌طور سایر اینجاها، ما با اینها در این جهات مخالف هستیم. اینها به همه معنا خیانت کرده‌اند به مملکت ما» (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۸۵).

۳. تباهی و تخدیر ملت‌ها، به‌خصوص نسل جوان به‌وسیله رادیو و تلویزیون و مطبوعات و سینماها و تئاترها

«استعمار برای ایجاد جریان تحول فکری و فرهنگی از ابزارهای متناسب فرهنگی استفاده می‌کند: «رادیو و تلویزیون و مطبوعات و سینماها و تئاترها از ابزارهای مؤثر تباهی و تخدیر ملت‌ها، به‌خصوص نسل جوان بوده است» (همانجا: ۶۷).

۴. حاکمیت دولت مردان خائن و فاسد

«دولت‌مردان خائن و دومان پهلوی به‌خصوص و مراکز تبلیغاتی علیه دستاوردهای خودی، و نیز خود کوچک‌دیدن‌ها و یا ناچیزدیدن‌ها ما را از هر فعالیتی برای پیشرفت محروم کرد». (همانجا: ۳۰). در اندیشه سیاسی امام (ره) بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و رفتارهای غیر اخلاقی، غیرانسانی و غیراسلامی، زائیده منکرات بزرگی چون حاکمیت دولت مردان فاسد و فاجری است که جز به خود و منافع خود نمی‌اندیشند. «در اذهان ما فرو رفته که منکرات فقط همین‌هایی هستند که هر روز می‌بینیم یا می‌شنویم؛ مثلاً اگر در اتوبوس نشسته‌ایم موسیقی گرفتند، یا فلان قهوه‌خانه کار خلافی را مرتکب شد، یا در وسط بازار کسی روزه خورد، منکرات می‌باشند و باید از آن نهی کرد؛ و به آن منکرات بزرگ توجه نداریم؛ آن مردمی را که دارند حیثیت اسلام را از بین می‌برند حقوق ضعفا را پایمال می‌کنند». (همانجا: ۱۰۶).

۵. حرام خواری، دزدان مقتدر و حاکم، خیانت به ملت

امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه، فلسفه قیام و کسب را مبارزه با پلیدی‌ها و پلشتی‌ها، دفاع از خداخواهی و عدالت‌جویی مردم و به محکمه عدل کشاندن متجاوزان به حریم‌های اخلاقی و انسانی می‌داند و می‌فرماید: «اگر امروز قدرت نداریم که جلو این کارها را بگیریم و حرام خواران و خائنین به ملت و دزدان مقتدر و حاکم را به کیفر برسانیم، باید کوشش کنیم این قدرت را به‌دست بیاوریم». (ولایت فقیه، ۱۳۵۷: ۱۰۴).

۶. مراکز فحشا و عشرتکده‌ها

«... به تباهی کشاندن جوانان این مرز و بوم با فراهم آوردن مراکز فحشا و عشرتکده‌ها و ده‌ها نمونه دیگر برای عقب نگه داشتن این کشور صورت گرفته است». (همانجا).

۷. اعتیاد به عیش و نوش و مواد مخدر

امام (ره) اشارات فراوانی دارند به ناهنجاری‌های هدایت شده که مطامع و منافع قدرت‌ها یا عناصری از حاکمیت نظام‌های دست‌نشانده عامل اصلی آن هستند و مجرمین متعارف، در حقیقت قربانیان مطامع آنان محسوب می‌شوند. در این زمینه می‌توان به موارد مکرری اشاره داشت که امام (ره) مسئله شیوع مواد مخدر در کشورهای جهان سوم و از جمله ایران را برای تخدیر فکر و انرژی نسل جوان آن، توطئه استعمارگرانی می‌دانند که هر نوع هوشیاری و آگاهی ملت‌ها را مانعی در جهت دستیابی به اهداف سلطه‌گرانه خود پنداشته و از طرق گوناگون برای برداشتن این مانع اقدام می‌کنند. گسترش فساد و فحشاء و سیاست‌های تسهیل‌کننده‌ای که در رژیم شاه برای اشاعه آن اتخاذ می‌شد، نیز، از این سنخ ناهنجاری‌های هدایت‌شده محسوب می‌شود. امام (ره) تصریح دارند که جوانانی که معتاد به مواد مخدر بوده و یا در فساد و فحشاء غوطه‌ور باشند هرگز نمی‌توانند در این اندیشه باشند که بر کشور و منابع آن چه می‌گذرد و ذخائر آن را چه کسی می‌برد؟

«اینان می‌خواهند نسل جوان را به مواد مخدر یا به آن عیش‌ونوش که آن هم مخدر

است مبتلا کنند، که اگر دنیا را آب ببرد این آدم را خواب می‌برد، این به دنبال آن مسائل است، چه کار دارد که مملکتش را می‌برند، جهنم که می‌برند. مردم و جوانان را چنان بار می‌آورند که منطقی این چنین پیدا می‌کند که اگر هر کاری بشود می‌گوید به من چه مربوط است؟ جوانی که اگر در جایی صحبتی شد، به حیثیت کشور و ملتش، به حیثیت اسلامی او برمی‌خورد، باید قیام کند و مبارزه کند، چنان او را می‌سازند که از پی این منقل نتواند حرکت کند». (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۱۱/۱۱۹).

ز. عوامل فرهنگی اقتصادی

۱. محرومیت از پیشرفت

«اینجانب نمی‌گویم ما خود همه چیز داریم، معلوم است که ما را در طول تاریخ نه چندان دور به خصوص و در سده‌های اخیر، از هر پیشرفتی محروم کرده‌اند، و دولت مردان خائن و دومان پهلوی به خصوص و مراکز تبلیغاتی علیه دستاوردهای خودی، و نیز خود کوچک دیدن‌ها و یا ناچیز دیدن‌ها ما را از هر فعالیتی برای پیشرفت محروم کرد» (همانجا: ۳۰).

۲. سرگرم کردن مردم به تزئینات و تجملات

«برای مثال واردات انواع کالاها و سرگرم کردن بانوان و مردان به خصوص طبقه جوان به اجناس وارداتی از قبیل ابزار آرایش و تزئینات و تجملات و بازی‌های کودکانه و به مسابقه کشاندن خانواده‌ها و مصرفی بارآوردن خانواده‌ها، به تباهی کشاندن جوانان این مرز و بوم با فراهم آوردن مراکز فحشا و عشرتکده‌ها و ده‌ها نمونه دیگر برای عقب نگه داشتن این کشور صورت گرفته است». (وصیت‌نامه امام، ۱۳۷۰: ۳۴).

۳. مصرفی بار آوردن خانواده‌ها

«به مسابقه کشاندن خانواده‌ها و مصرفی بارآوردن خانواده‌ها، ... و ده‌ها نمونه دیگر

برای عقب نگه داشتن این کشور صورت گرفته است». (وصیت‌نامه امام، ۱۳۷۰: ۳۴).

۴. فقر اقتصادی

«اولین اقدام این است که همه عوامل فساد و مهم‌تر اینکه انگیزه‌های فساد در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی با جدیت باید ریشه کن شود» (صحیفه نور، ۱۳۶۹: ۲۷/۳).

امام (ره) در تعلیل جرائمی چون سرقت و فحشا با طرح سؤالی استفهامی می‌فرماید، «خیال می‌کنید، آن دزدی که از دیوار بالا می‌رود یا زنی که عفت خود را می‌فروشد تقصیر دارد؟ وضع معیشت بد است که این همه جنایت و مفاسد به وجود می‌آید» (همانجا: ۶۵/۱).

همچنین امام در موارد مکرر، خطر شورش و عصیان مردمی را گوشزد می‌کند که حداقل زندگی‌شان تأمین نشده باشد و به وضوح تأکید می‌کند که گران‌فروشی، استثمار طبقات مرحوم و عدم تأمین حداقل مایحتاج کارگران و ... می‌تواند شورش و عصیان آنان را به دنبال داشته باشد. به عبارت دیگر، وقوع بی‌نظمی و سلب امنیت اجتماعی را پیامد اجتناب‌ناپذیر ساختار اقتصادی ناسالم و ظالمانه می‌داند.

نتیجه‌گیری

فرهنگ به معنی باورها و ارزش‌هایی است که از جهان‌بینی انسان نشئت می‌گیرد و در عرصه‌های مختلف حیات و زیست اجتماعی و فردی زندگی متجلی می‌شود. تأثیرگذاری فرهنگ بر تمام ارکان فکری، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و ... ملت‌ها نشانگر اهمیت ویژه و اساسی آن می‌باشد. از این رو آسیب‌های ناشی از فرهنگ نقشی ویرانگر در هویت ملت داشته و موجب انحراف، انحطاط و هلاکت و نابودی ملتی را فراهم خواهد کرد. از دیدگاه امام خمینی (ره) فرهنگ اساس هویت جامعه بوده «والا ترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است» و «با

انحراف فرهنگ هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است».

از نظر امام(ره) اصلاح فرهنگی محوری ترین مأموریت انقلاب است و اساساً اصلاح یک جامعه را باید از اصلاح فرهنگی آن آغاز کرد. مهم ترین آسیب فرهنگی که توسط بیگانگان خارجی و خودفروختگان داخلی بر کشورهای اسلامی و شرقی از جمله ایران وارد شده است خودباختگی فرهنگی، وابستگی فکری و از خودبیگانگی است. از نظر ایشان «هیچ ملتی نمی تواند استقلال پیدا کند، الا اینکه خودش، خودش را بفهمد. مادامی که ملت ها خودشان را گم کرده اند و دیگران را به جای خودشان نشان دهند، نمی توانند (استقلال) پیدا کنند».

امام خمینی(ره) رمز قدرت و عظمت کشور را «بازگشت به خویشتن خویش» و «خود باوری» می داند. از نظر امام(ره) بازگشت به فرهنگ اصیل اسلامی می تواند به رشد انسان دارای تفکر و مستقل کمک کند و احیای این هویت انسانی موجب ظهور انسانیت انسان می شود. ایشان نتیجه احیای یک هویت فرهنگی اصیل را، ساختن «انسان» می داند و معتقد است: «موظفیم ما که انسان درست کنیم. انسان است که می تواند جلوی مفساد را بگیرد». «آنها کوشش کردند فرهنگ ما را استعماری کنند. کوشش کردند که نگذارند انسان پیدا بشود. آنها از انسان می ترسند».

بررسی فرمایش های حضرت امام(ره) نشان می دهد که ایشان اهمیت بسیار زیادی به مسئله فرهنگ و آسیب شناسی فرهنگی داده و در بسیاری از سخنرانی های خود به آسیب های فرهنگی مختلف ناشی از عوامل داخلی و خارجی اشاره کرده، همواره درصدد بودند که این آسیب ها را به مردم و مسئولین معرفی کنند تا از جامعه اسلامی ایران آن ها را رفع کرده و فرهنگ اصیل اسلامی را تبیین و حد اکثر تلاش خود را برای انجام اصلاحات فرهنگی و روشنگری در این زمینه انجام دادند و مسیر بسیار روشنی را به عنوان خط امام در پیش روی آینده ملت ایران باز کردند.

آسیب‌های فرهنگی ایران از دیدگاه امام خمینی (ره) که در این پژوهش احصاء گردیده در ۴۴ عنوان بیان شده است.

پیشنهادها

۱. با توجه به محدودیت زمان و منابع در اختیار در این تحقیق لازم است محققین با فرصت مناسب‌تر و استفاده از منابع بیشتر و دقیق‌تر این تحقیق را کامل کرده و تمام آسیب‌های فرهنگی مورد نظر حضرت امام (ره) را به صورت دقیق و کامل استخراج کردند.
۲. مردم، مسئولین، سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی، دل‌سوختگان عرصه فرهنگ و دین، اندیشوران عرصه دین و فرهنگ و تمام فرهیختگان و فرهنگ دوستان در مجامع مختلف و سطوح مختلف به صورت جدی برای رفع این آسیب‌ها همت نموده تمام توان خویش را در این زمینه به کار گیرند.
۳. آسیب‌شناسی فرهنگی یکی از وظایف و مسئولیت‌های اصلی و مهم به حساب آمده و لازم است در تحقیقات آینده پژوهی مد نظر قرار گرفته به طور مستمر در مراکز علمی پژوهشی و فرهنگی مورد پیگیری و پایش قرار گیرد و برای جلوگیری از آسیب‌های فرهنگی برنامه‌ریزی و اقدام جدی صورت گیرد.

منابع

- آریانپور، عباس (۱۳۵۳). فرهنگ آریانپور، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ابن خلف تبریزی، محمدحسین (۱۳۹۱). برهان قاطع، ویراستاری محمد معین، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم.
- ادیبی، حسین (۱۳۹۰). زمینه انسان‌شناسی، تهران: انتشارات ارج.
- ارمی، احمد (۱۳۸۷). فرهنگ و آسیب‌های فرهنگی، مطالعات فرهنگی.
- بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۸۳/۲/۲۸.

- رحمانی، حجت‌الله (۱۳۹۲). استعاره‌های فرهنگی، مدیریت راهبردی.
- رهنمایی، سید احمد (۱۳۷۸). آسیب‌شناسی فرهنگی، مجله معرفت، شماره ۳۰، چاپ پاییز.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۲). زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران: انتشارات عطار.
- شقاقی گرمودی، محمد کریم (۱۳۰۷). برهان جامع، خطی.
- فرهی بوزنجانی، برزو و زارع اشکذری، جلال‌الدین (۱۳۹۱). فرهنگ سازمانی و پلیس، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- لشگری، مصطفی (۱۳۹۲). دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی (ره)، اینترنت.
- مارکس، کارل (۱۳۸۱). مانیفیست سوسیالیسم، ترجمه برهان رضایی، تهران: نشر کارگر.
- ماری، بریجانیان (۱۳۷۳). فرهنگ و اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مورگان، گرت (۱۳۷۸). سیمای سازمان، ترجمه اصغر مشبکی، تهران: دانشگاه تهران.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹). تحریر الوسیله، چاپ شانزدهم، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- _____ (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۶۹). صحیفه نور، تهران: سازمان مدارک علمی و فرهنگی انقلاب اسلامی.
- _____ (۱۳۵۹). حکومت اسلامی، تهران: امیر کبیر.
- _____ (۱۳۵۷). کشف الاسرار، تهران: نشر ظفر.
- _____ (۱۳۵۷). ولایت فقیه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- _____ (۱۳۶۹). صحیفه نور، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _____ (۱۳۷۰). وصیت‌نامه، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.

- _____ ، نرم افزار راه امام کلام امام، مؤسسه نشر آثار.
- _____ (۱۳۷۰). فریاد برائت، مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره).
- میرجمال الدین، حسین (۱۳۶۸). فرهنگ جهانگیری، ویراسته دکتر رحیم عقیقی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- نفیسی، علی اکبر (۱۳۸۵). فرهنگ نفیسی، تهران: انتشارات خیام.

